



Shiraz University
RICEST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 17, Issue 2, Summer 2025

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2024.49887.5150>



Research Article

Legal-judicial challenges of criminal protection of government capital in joint-stock companies

Reza Hashemzadeh Shorjeh¹, Mohammad Reza Rahmat^{2*}, Abas Kalantary³,
Sayad Ahmmad Mirkhalili⁴

1. Ph.D.in , Department of criminal and criminologh law, Faculty of Theology and Studies, University of Meybod, Iran
2. Assistant Prof, Department of criminal and criminologh law, Faculty of Theology and Studies, University of Meybod, Iran
3. Prof, Department of Figh and Islamic law, Faculty of Theology and Studies, University of Yazd, Iran
4. Assistant Prof, Department of Figh and Islamic law, Faculty of Theology and Studies, University of Meybod, Iran

Article history:

Received: 24-04-2024

Accepted: 14-10-2024

Abstract

Introduction

In companies where the government holds shares, economic crimes may occur against their assets and properties more frequently than in other companies. Since these companies are linked to public interests and government assets, there is usually no significant challenge in providing criminal protection for government investments in state-owned companies, and current judicial practices and laws function effectively in this regard. However, the main challenge lies in providing criminal protection for companies where the government holds 50% or less of the shares. The current legal framework lacks explicit provisions for such companies, which may lead to legal gaps and varying interpretations. This study examines how the Iranian judicial system addresses these challenges and proposes solutions

Please cite this article as:

Hashemzadeh Shorjeh, R., Rahmat, M.R., Kalantary, A., Mirkhalili, S.A (2025). Legal-judicial challenges of criminal protection of government capital in joint-stock companies. *Journal of Legal Studies*, 17(2), 215-242. <https://doi: 10.22099/JLS.2024.49887.5150>

* Corresponding author:

E-mail address: rahmat@meybod.ac.ir

based on criminal policy and judicial interpretations to strengthen the fight against such crimes. Additionally, it aims to provide practical suggestions for legal reforms and new regulations to improve the judicial system's performance in this area.

Methods

This research is applied in terms of purpose and qualitative in approach, conducted using a descriptive-analytical method. The statistical population includes specific judicial practices (such as opinions from the Legal Department of the Judiciary, Supreme Court rulings, and judgments from judicial authorities). Data analysis was performed through coding and categorizing various topics. The study also examines judicial interpretations and legislation from other countries for comparative analysis.

Results

Significant legal problems and gaps exist in protecting companies where the government holds partial ownership. These issues stem from deficiencies, ambiguities, and the absence of explicit provisions in criminal laws, which are indirectly addressed through judicial practices. Three main approaches are observed in Iran's judicial practice:

1. **First Approach:** Judges treat state-owned companies with less than 50% government ownership as private companies. Crimes committed by managers or employees against company assets are examined under general criminal laws (e.g., breach of trust, theft, fraud, or Article 258 of the Commercial Code).
2. **Second Approach:** This approach considers companies with government shares as government-affiliated. Crimes committed by their managers or employees are addressed under laws governing economic crimes by government employees.
3. **Third Approach:** Judges argue that since the government jointly owns all company assets, any violation of these assets constitutes an infringement on the government's share. Such crimes are investigated under laws related to economic crimes in state-owned companies.

While the first approach relies on general criminal laws, the second and third approaches focus on protecting public interests and government assets.

Conclusions

The problems indicate that Iran's judicial system lacks adequate legal texts for protecting government investments, particularly in cases of partial ownership. These gaps necessitate reforms and the introduction of precise, transparent, and dynamic regulations. Despite efforts to address these issues, no substantial

changes have been made to existing laws. For instance, members of Parliament recently proposed amending Article 598 of the Islamic Penal Code to ensure judicial uniformity and prevent the loss of government rights. This amendment specifically targets the misappropriation of government assets in non-governmental institutions and private companies.

Keywords: Economic crimes, Judicial procedure, Government shares, State company, Criminal policy.





چالش‌های تقنینی-قضایی حمایت کیفری از سرمایه دولت در شرکت‌های سهامی

رضا هاشم‌زاده شورجه^۱، محمدرضا رحمت^{۲*}، عباس کلانتری^۳، سید احمد میرخلیلی^۴

۱. دانش آموخته دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، ایران
۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، ایران
۳. استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه یزد، ایران
۴. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: در شرکت‌هایی که دولت در آن‌ها سهام دارد، جرائم اقتصادی ممکن است به‌طور خاص علیه اموال و دارایی‌های شرکت‌ها بیشتر از سایر شرکت‌ها به وقوع بپیوندد. از آنجاکه این شرکت‌ها با منافع عمومی و دارایی‌های دولتی ارتباط دارند، در حمایت کیفری از سرمایه و سهام دولت در شرکت‌های دولتی معمولاً هیچ چالش خاصی وجود ندارد و رویه قضائی و قوانین موجود نقش خود را ایفا می‌کنند. با این حال، چالش اصلی نحوه حمایت کیفری از شرکت‌هایی است که دولت تا ۵۰ درصد یا کمتر سهام دارد. در قوانین فعلی کشور نص صریحی در خصوص این شرکت‌ها وجود ندارد و این امر می‌تواند منجر به خلاءهای قانونی و تفسیرهای متعدد شود. این تحقیق به بررسی و تحلیل نحوه برخورد سیستم قضائی ایران با این چالش‌ها می‌پردازد تا راهکارهایی مبتنی بر سیاست کیفری و تفاسیر قضائی برای تقویت مبارزه با این جرائم پیشنهاد شود. هدف این تحقیق همچنین ارائه پیشنهادها کاربردی برای اصلاح قوانین و گنجانیدن مقررات جدید به منظور بهبود عملکرد نظام قضائی در این زمینه است.

استناد به این مقاله:

هاشم‌زاده شورجه، رضا؛ رحمت، محمدرضا؛ کلانتری، عباس و میرخلیلی، سید احمد (۱۴۰۴). چالش‌های تقنینی-قضایی حمایت کیفری از سرمایه دولت در شرکت‌های سهامی. *مجله مطالعات حقوقی*. ۱۷، (۲)، ۲۴۲-۲۱۵.

روش: این تحقیق به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. از نظر رویکرد، این پژوهش در دسته تحقیقات کیفی قرار دارد که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل برخی از رویه‌های قضائی موجود (از جمله نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضائیه، آرای وحدت رویه و آرای صادره از مراجع قضائی) است. تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری و دسته‌بندی محورهای مختلف موضوع انجام شده است. برای تحلیل و مقایسه رویکردهای مختلف، به بررسی تفاسیر قضائی و قانون‌گذاری در سایر کشورها نیز پرداخته شده است.

یافته‌ها: در حمایت از شرکت‌هایی که بخشی از سهامشان متعلق به دولت است، مشکلات قانونی و خला‌های زیادی وجود دارد. این مشکلات به دلیل نقص، ابهام و عدم وجود نصوص صریح در قوانین کیفری، به‌طور غیرمستقیم با استفاده از رویه‌های قضائی قابل رفع است. در این زمینه، سه رویکرد در رویه قضائی ایران وجود دارد:

۱. رویکرد اول: در این رویکرد، قضات شرکت‌های دولتی که سهام آن کمتر از ۵۰ درصد است را به‌عنوان شرکت‌های خصوصی تلقی می‌کنند. بر این اساس، هرگونه جرم یا تخلفی که توسط مدیران یا کارکنان این شرکت‌ها علیه اموال و دارایی‌های آن صورت گیرد، تحت عناوین مختلف جرم (مانند خیانت در امانت، سرقت، کلاه‌برداری یا مواد ۲۵۸ قانون تجارت) بررسی می‌شود؛

۲. رویکرد دوم: این رویکرد بر این استدلال است که شرکت‌هایی که دولت سهام دارد باید به‌عنوان شرکت‌های وابسته به دولت شناخته شوند. در این رویکرد، هرگونه جرم توسط مدیران یا کارکنان این شرکت‌ها طبق قوانین جرائم اقتصادی کارکنان دولتی رسیدگی می‌شود؛

۳. رویکرد سوم: در این دیدگاه، قضات معتقدند که چون دولت مشاعاً در تمامی اموال شرکت سهم دارد، هرگونه تعرض به اموال شرکت به معنای تعرض به سهم دولت است و جرائم مربوطه طبق قانون جرائم اقتصادی شرکت‌های دولتی بررسی می‌شود.

درحالی‌که رویکرد اول تنها به قوانین عمومی کیفری تکیه دارد، رویکردهای دوم و سوم بر دیدگاه خاصی برای حفاظت از منافع عمومی تکیه می‌کنند.

نتیجه‌گیری: این مشکلات نشان می‌دهد که متون حقوقی موجود در سیستم قضائی ایران به‌ویژه در حمایت از سرمایه‌های دولتی، با کاستی‌هایی روبه‌رو است. این کاستی‌ها نیازمند اصلاحات و قوانینی دقیق، شفاف و پویا هستند. با وجود تلاش‌هایی که در راستای برطرف کردن این مشکلات صورت گرفته است، هنوز اقدامات مشخصی برای اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های موجود انجام نشده است. به‌عنوان مثال، اخیراً نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از تضییع حقوق دولت، طرح الحاق یک تبصره به ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی را پیشنهاد کرده‌اند. این

تبصره به‌طور خاص برای مبارزه با تضییع اموال دولتی در مؤسسات غیر دولتی و شرکت‌های خصوصی طراحی شده است.

واژگان کلیدی: جرائم اقتصادی، رویه قضایی، سهام دولت، سیاست جنایی، شرکت دولتی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سرآغاز

در نظام اقتصادی کشور، فرآیند واگذاری اموال و دارایی‌های دولتی اعم از سهم، سهم الشرکه و... در شرکت‌ها و بنگاه‌ها و مؤسسات، به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی، به صورت کامل انجام نگرفته است و سهام دولت در برخی از شرکت‌ها همچنان در مالکیت دولتی باقی مانده و در مواردی میزان سهم، کمتر از حد نصاب لازم برای برخوردار شدن شرکت از عنوان شرکت‌های دولتی شده است؛ در نتیجه رفتارهای مجرمانه کارکنان و مدیران آنها علیه اموال و دارایی‌های شرکت در موارد بسیاری، تحت عنوان جرایم قابل گذشت (مانند خیانت در امانت) یا جرایمی که مجازات آنها بازدارندگی لازم را ندارد، باید مورد رسیدگی قرار گیرد؛ زیرا پذیرش وقوع جرایم اقتصادی و انتساب آن به کارکنان و مدیران شرکت‌های خصوصی بدون آنکه قانون‌گذار توجهی به تهیه و تصویب قوانین لازم و ایجاد سازکارهای ضروری، راجع به صیانت از اموال و دارایی‌های دولت در این شرکت‌ها داشته باشد، بسیار دشوار است. این در حالی است که برخی از نظام‌های حقوقی دنیا به مجازات‌دهی مفاسد اقتصادی شرکت‌های خصوصی متمایل شده‌اند؛ خواه سرمایه این شرکت‌ها تماماً خصوصی باشد و خواه میزانی از سهام آن متعلق به دولت باشد. با همین دیدگاه در کنوانسیون مریدا، پیشنهادهای متعددی به کشورهای عضو ارائه شده؛ نمونه آن درمورد ارتشاء در بخش خصوصی است که اعضاء این کنوانسیون به تقنین کیفری مناسب درباره تمامی رفتارهای ارتكابی در قالب وعده، ارائه یا دادن یا درخواست یا قبول امتیاز بی‌مورد به هر شخصی متعهد شده‌اند که در بخش خصوصی فعالیت می‌کند، تا چنانچه اشخاصی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهند یا از انجام آن خودداری نمایند و از این طریق اخلاقی در فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ایجاد کنند، رفتار

آنها به‌عنوان جرم کیفری تلقی شود؛^۱ این پیشنهادها درخصوص جرم تلقی کردن اختلاس در بخش خصوصی^۲ که در حین فعالیت‌های اقتصادی توسط شخصی که در این بخش فعالیت می‌کند نیز ارائه شده است.^۳ اما در رویه قضایی حاکم بر مراجع قضایی ایران، برخورد با جرایم واقع شده در شرکت‌های سهامی که دولت در آنها به‌عنوان احدی از سهام‌داران (۵۰ درصد یا کمتر از آن) شناخته شده، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ برخی قائل به برخورد کیفری با متخلفان براساس متون کیفری مرتبط با جرایم اقتصادی کارکنان دولت هستند و برخی به امکان نداشتن وقوع جرایم اقتصادی کارکنان این شرکت‌ها تمایل دارند و متعاقب استعلام میزان سهام دولت از مراجع مرتبط و عدم احراز وصول حد نصاب سهام به بیش از ۵۰ درصد، قضات مبادرت به صدور قرار منع تعقیب یا حکم براءت می‌کنند؛ البته راجع به شیوه استعلام میزان سهام دولت و مراجع استعلام‌گیرنده و همچنین مبنای توزین سهام، نیز اختلاف در رویه وجود دارد؛ برخی در استعلام، صرفاً سهم مستقیم دولت را لحاظ می‌کنند و برخی دیگر سهام دولت را چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم در شرکت‌های مربوطه، ملاک تشخیص میزان سهام می‌دانند. مسلماً شناسایی

۱. ماده ۲۱ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۲۰

۲. با توسعه بخش خصوصی با اعمال سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی به‌ویژه از سوی بانک‌ها، شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به موجب دادنامه شماره ۶۰۰۶۸ مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۱ کارمند یکی از بانک‌های کشور را به اتهام اختلاس محکوم می‌کند، در حالی که بانک مذکور در زمان رسیدگی به صدور حکم، به بخش خصوصی واگذار شده بود. این محکومیت به موجب دادنامه شماره ۵۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۸ صادره از شعبه بیست و یکم دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید و قطعی شد. یکی از استندهای قانونی شعبه بدوی صادرکننده حکم، «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» است که در یکی از مواد آن اختلاس را در بخش خصوصی پذیرفته است. با این حال، اداره حقوقی به موجب نظریه مشورتی شماره ۳۸۵۸/۷ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۴ در پاسخ به استعلامی راجع به امکان استناد به قانون «الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» برای مقابله کیفری با فساد در بخش خصوصی، نظر منفی داده و آن را خلاف اصل قانونی بودم جرم و مجازات دانسته است.

۳. ماده ۲۲ همان قانون

رویه قضایی و تحلیل و تفسیر دقیق مبانی قانونی موجود در این حوزه، که مبتنی بر صیانت و حمایت از اموال و دارائی‌های دولتی (به معنای عام) است، می‌تواند علاوه بر اینکه مسیر مبارزه با هر گونه تخلف، انحراف یا سوءجریانی را راجع به سهام و سرمایه دولت در این شرکت‌ها هموار سازد، باعث افزایش قاطعیت در برخورد با جرایم واقع شده در این شرکت‌ها نیز شود؛ لذا در این مقاله سعی شده این مبانی که مبتنی بر حمایت از سهام و سرمایه دولت است از لابه‌لای آراء و تصمیمات قضائی در دسترس، استخراج و با سایر مؤلفه‌های نظری و متون تقنینی مورد بررسی قرار گیرد. درمورد حوزه جرایم اقتصادی مقاله‌ها و کتب متعددی تألیف و تدوین شده (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱؛ میرسعیدی، زمانی، ۱۳۹۲) اما درباره واکاوی رویه قضایی و چالش‌های تقنینی راجع به حمایت کیفری از سهام دولت در برخورد با جرایم اقتصادی در شرکت‌های غیردولتی، سابقه تألیف و تدوینی وجود ندارد؛ بنابراین تحقیق حاضر از این جهت نوآورانه است. در جهت انجام تحقیق نیز علاوه بر مراجعه به منابع کتابخانه‌ای از آراء و تصمیمات قضائی مرتبط و در دسترس شعب تحقیق دادسرا و محاکم کیفری استفاده و متعاقب آن مورد بررسی، تحلیل و آسیب شناسی قرار گرفته است. در قسمت اول این مقاله، تعاریف مورد نظر بررسی قرار گرفته است و در قسمت دوم به استعمال و مشخص نمودن میزان سهام دولت در شرکت‌های سهامی توجه شده است و در قسمت سوم با نگاهی به رویه قضایی، رفتارهای مجرمانه را بر عناوین جزایی تطبیق داده است و درنهایت نیز چالش‌های نحوه حمایت از سهام و اموال دولتی در شرکت‌های غیردولتی بررسی شده است.

۱. تعاریف

۱-۱. **شرکت دولتی:** برای شناخت شرکت‌های دولتی می‌توان به قوانین مختلفی مراجعه کرد؛ از جمله قانون اساسی، قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۳۴)،

قانون برگزاری مناقصات و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات. در ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ شرکت دولتی واحد سازمانی مشخص معرفی شده که «با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود یا به حکم قانون یا دادگاه صالح ملی شده یا مصادره شده و به‌عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد.» یا «هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود.» در ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ هم شرکت‌های دولتی^۱ با همین مبنا تعریف شده است. طبق این مقررات در دو حالت شرکت دولتی ممکن است شکل بگیرد: حالت اول زمانی که به موجب قانون و برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت، شکل می‌گیرد و بیش از پنجاه درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت باشد و حالت دوم در فرضی که وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی انفرادی یا مشترک هر شرکت تجاری را از طریق سرمایه‌گذاری ایجاد نمایند؛ البته در صورتی که بیش از پنجاه درصد سهام آنها منفرد یا مشترک متعلق به واحدهای سازمانی مذکور باشد. شرکت‌های دولتی اصولاً به صورت سهامی به ثبت می‌رسند با این تفاوت که موضوع بازرسی و حسابرسی در شرکت‌های دولتی بر عهده سازمان حسابرسی گذاشته شده است و این را می‌توان وجه تمایز اصلی شرکت‌های دولتی با شرکت‌های سهامی دانست (اردشیری، ۱۳۸۹: ۵۴).

۱. شرکت‌های دولتی در حوزه‌های مختلف خود احکام مختلفی دارند از جمله: «احکام ناظر بر مجامع عمومی»، «احکام ناظر بر هیئت مدیره و مدیران عامل»، «احکام ناظر بر حسابرس مستقل و بازرس قانونی»، «احکام ناظر بر بودجه»، «احکام ناظر بر امور مالی»، «احکام ناظر بر امور معاملاتی»، «احکام ناظر بر طرح‌های عمرانی»، «احکام ناظر بر اموال»، «احکام ناظر بر امور استخدامی»، «احکام ناظر بر واگذاری»، «احکام ناظر بر انحلال»، «احکام ناظر بر معافیت‌ها و استثنائات قانونی» (عنبری و نوروزیان، ۱۴۰۲: ۳۲).

۱-۲. شرکت‌های غیر دولتی: طبق مفهوم مخالف ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، هر شرکتی که شرایط بیان‌شده در این مواد را نداشته باشد، شرکت غیردولتی یا به عبارتی شرکت خصوصی تلقی می‌شود حتی اگر دولت در این شرکت‌ها تا ۵۰ درصد سهام یا سرمایه آن شرکت را دارا باشد.

۱-۳. شرکت‌های سهامی: شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست. شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد و به دو نوع تقسیم می‌شود، شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص. از جمله مقررات کیفری حاکم بر شرکت‌های سهامی، بندهای ۳ و ۴ ماده ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت است.

۱-۴. شرکت‌های وابسته به دولت: در قوانین این شرکت‌ها به‌صراحت و به صورت مستقل تعریف نشده‌اند اما در برخی از مقررات کیفری، این نوع شرکت‌ها از حمایت کیفری برخوردارند (عنبری و نوروزیان، ۱۴۰۲: ۱۳). این نقص تعریف نشدن در قوانین باعث شد که هیئت دولت در تصویب‌نامه‌هایی در مقام ارائه تعریف از این شرکت‌ها برآید از جمله، مصوبه شماره ۶۹۲۱/ت/۲۱۲۴۴ هـ مورخ ۱۳۷۸/۰۵/۰۳ و همچنین تصویب‌نامه راجع به واریز یک درصد سود ناخالص شرکت‌های دولتی به حساب خزانه مصوب ۱۳۸۰/۵/۱۰ و همچنین مصوبه شماره ۲۳۷۰۸/ت/۲۴۵۳۷ هـ مورخ ۱۳۸۰/۰۵/۲۰ است که در تعریف این شرکت‌ها با مبنا قرار دادن ماهیت شرکت‌های دولتی، شرکت تابعه و وابسته به دولت را معرفی کرده و عنوان نموده که شرکت‌هایی که بیش از پنجاه درصد سهام یا سرمایه آن متعلق به شرکت دولتی یا دستگاه‌های دولتی یا متعلق به دستگاه اجرایی مربوطه باشد، شرکت تابعه و وابسته به دولت محسوب می‌شود (براری، ۱۴۰۲: ۲۱). اما از آنجایی که قانون‌گذار در بیان «شرکت‌های دولتی» و «شرکت‌های وابسته» به صورت مجزا و جداگانه مقصودی را دنبال می‌کرده است چنانکه در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده واحده قانون تشکیل

سازمان حسابرسی مصوب ۱۳۶۲ و ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و تبصره ۹ ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ به هر کدام از این شرکت‌ها مستقلاً اشاره نموده، از این رو مصوبه اخیر دولت، با این مبنا که «مفاد تصویب‌نامه با متن و روح قوانین جاری مخالف است و از آنجا که این موضوع موجب خروج بسیاری از شرکت‌هایی که سهام دولت و شرکت‌های دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد است، از شمول اکثر قوانین شده و بالقوه می‌تواند منشأ آثار سوپی گردد» از جانب سازمان بازرسی کل کشور در دیوان عدالت اداری، مورد اعتراض قرار گرفت و آن مرجع نیز به موجب رأی هیأت عمومی^۱ با این استدلال که «تعیین و احصاء خصوصیات ممیزه واحدهای دولتی و تابعه یا وابسته به آنها متضمن توجه به آثار حقوقی خاص به واحدهای مذکور است و در نتیجه وضع مقررات در جهت تعیین خصوصیات و ضوابط شرکت‌های تابعه و وابسته دولتی اختصاص به مقنن دارد» تصویب‌نامه موصوف را به جهت خارج بودن از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی، ابطال نمود تا اینکه تصویب‌نامه با تغییر دیدگاه سابق خود این شرکت‌ها را مجدداً تعریف کرد و بیان نمود که این شرکت‌ها شخصیت حقوقی مستقلی دارند که پنجاه درصد یا کمتر از پنجاه درصد از سهام یا سرمایه آن به صورت مجتمع یا منفرد متعلق به دستگاه‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری است یا حداقل یکی از اعضای هیأت مدیره آنها را این دستگاه‌ها تعیین می‌کنند،^۲ هر چند این مصوبه نیز برحسب استدلال دیوان عدالت اداری، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه محسوب می‌شود، این مصوبه از چند جهت قابل دفاع است: اولاً تعریف مندرج در آن با تعریف شرکت‌های وابسته به

۱. به شماره ۱۷۲/۸۱/هـ - مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۷

۲. مصوبه به شماره ۱۸۶۰۰۵/ت/۶۰۵۴۸ هـ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۸ با عنوان دستورالعمل ساماندهی حقوق و مزایای مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره - هیأت عامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و شرکت‌های تابع آنها و شرکت‌های تحت مدیریت دولت.

شرکت ملی نفت همسو است که در ماده ۴۹ قانون اساسی نامه ملی نفت مصوب ۱۳۹۵ بیان شده و آنها را شرکت‌های دانسته که ۵۰ درصد از سهام آنها یا کمتر از آن، متعلق به شرکت نفت است. ثانیاً این تعریف امکان اجرا و اعمال برخی از مقررات کیفری را در حوزه شرکت‌هایی فراهم می‌نماید که دولت در آنها ۵۰ درصد یا کمتر سهام دارد؛ به‌عنوان نمونه، هر گونه تعدی و تفریط در مورد اموال و دارایی‌های این شرکت حسب مورد می‌تواند مصداق تصرف غیرقانونی، تضییع اموال دولتی یا اختلاس باشد و از این جهت، این مصوبه قابلیت حفظ و صیانت از سرمایه و اموال دولتی را داراست. ثالثاً این تعریف می‌تواند جایگاه نظارتی سازمان بازرسی کل کشور و ضابطان خاص را به‌جهت بررسی، تحقیق و تفحص درباره عملکرد مدیران و کارکنان این شرکت‌ها و درنهایت حفظ و صیانت اموال و دارایی‌های دولت تقویت نماید.

۲. نحوه شناسایی میزان سهام و سرمایه دولت در رویه قضایی

یکی از چالش‌های مهم در حمایت از سهام دولت در شرکت‌های سهامی، به نحوه تشخیص میزان سهام دولت در این شرکت‌ها برمی‌گردد؛ بدین نحو که آیا صرفاً باید سهام دولت به صورت مستقیم و در بررسی آخرین لایه سهام‌داران ثبت شده در اداره ثبت شرکت‌ها، مورد لحاظ قرار گیرد؟ یا اینکه در این ارزیابی می‌توان سهام غیرمستقیم و در لایه‌های زیرین را در نصاب میزان سهام دولت نیز مورد نظر قرار داد؟ به‌عنوان مثال، اگر سهام‌داران شرکتی، «الف» به‌عنوان یک وزارتخانه دولتی کمتر از ۵۰ درصد از کل سهام شرکت را دارا و «ب» و «ج» به‌عنوان شرکت‌های خصوصی مابقی سهام را در مالکیت خود داشته باشند ولی دولت در شرکت «ج» نیز سهام‌دار محسوب شود و فرض بر این قرار گیرد که با جمع مقدار سهام «الف» در شرکت به صورت مستقیم و سهم آن در شرکت «ج» به صورت غیرمستقیم، بیش از ۵۰ درصد سرمایه شرکت را دارا خواهد شد، آیا در این فرض می‌توان آثار و احکام مرتبط با شرکت‌های دولتی را بر این شرکت نیز جاری دانست؟ قضات در آراء و تصمیمات قضایی متعددی قائل بر این هستند که

صرفاً باید سهام دولت به صورت مستقیم در سیاهه موجود در اداره ثبت شرکت‌ها یا وزارت امور اقتصادی و دارائی، لحاظ شود،^۱ اما این دیدگاه از چند جهت می‌تواند ایراد داشته باشد چراکه اولاً در جرایم اقتصادی که نسبت به اموال و دارایی‌های دولتی به وقوع می‌پیوندد به جهت ترجیح گزینه نظم عمومی بر حقوق فردی (دلیر، ۱۳۸۶: ۲۷۳)، بهره‌برداری صرف از تعابیری چون تفسیر به نفع متهم و تمسک بی‌چون و چرا به اصل برائت نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع جامعه و حافظ این اموال باشد. توضیح اینکه در اصل اولیه، سیاست‌گذاران حوزه کیفر تلاش می‌کنند برای تحقق عدالت و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی قواعدی یکسان را برای مقابله با همه مصادیق بزه و بزهکاری به کار بندند؛ مثلاً قواعد مربوط به حقوق متهم، ادله اثبات بزه، جلب و احضار متهم، نحوه دادرسی و... (جوان جعفری، ۱۳۸۹: ۱۷۳)، اما پابندی به برخی از آموزه‌های حقوقی صرف ممکن است از جهاتی لطمه به موازین و اصول حقوقی دیگر باشد و از طرفی هم نتواند به تحقق عدالت کمکی بکند؛ چراکه در برخی از جرایم مانند جرایم اقتصادی، سوء نیت‌ها بسیار پنهان هستند؛^۲ از این رو، منطق تقنینی و قضایی ایجاب می‌کند در برخی موارد بر این اصول، استثنائاتی وارد شود. این استثنائات همان نتیجه اعمال سیاست‌های

۱. پرونده به شماره ۹۹۰۹-۰۳۴۰ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان اهواز و پرونده شماره ۱۴۰۰-۰۲۵۶ شعبه

دهم بازپرسی دادسرای اهواز

۲. با توجه به دیدگاه‌های مختلف ارائه‌شده، به نظر می‌رسد که یکی از بهترین و مؤثرترین راهکارها برای مقابله و پیشگیری از جرایم شرکی، خصوصی‌سازی است. بر این اساس، باید برای گذار از مرحله اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی، دقت فراوان نمود؛ زیرا این دوره منشاء و بستر ساز بسیاری از جرایم شرکی کلان است و لذا در این دوران، مدیریت صحیح و علمی در همه جوانب به‌خصوص در زمینه واگذاری اموال دولتی، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. درمورد ایران نیز همان‌طور که ذکر شد، نگارنده معتقد است که کشور ایران که روند خصوصی‌سازی را شروع کرده است در دوران گذار قرار دارد و لذا زمینه‌ها برای انواع سوءاستفاده و تاراج دولتی فراهم است؛ بنابراین باید در نحوه واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی نهایت دقت را اعمال نمود و در این مورد می‌توان از تجربه کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی که این دوران را سپری کرده‌اند، استفاده کرد تا دچار فساد مالی عظیم‌تر نشویم (صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

افتراقی‌سازی است (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۹۱)؛ از این رو دیده می‌شود که برخلاف عموماً اصول کیفری، در برخی از مواضع مقننان یا کارگزاران، بدون تسامح و با لحاظ حقوق جامعه به موضوعات نگریسته‌اند. برخی از حقوق‌دانان مبتنی بر همین دیدگاه، تا آنجا پیش رفته‌اند که معتقدند جرایم اقتصادی را باید جرایم مادی صرف تلقی نمود که نیازی به اثبات برخورداری از عنصر روانی نباشد، چون مقدمه لازم قصد مجرمانه، علم به مجرمانه بودن رفتار ارتكابی است و چنین علمی درخصوص مرتکبان آن به سبب ماهیت فنی جرایم اقتصادی محرز است (سماواتی پیروز، ۱۳۹۰: ۶۶۱)؛ بنابراین مبارزه با جرایم اقتصادی در حوزه دارایی‌های دولت در شرکت‌ها، نیازمند مسیری متمایز و افتراقی در رویه قضایی است. ثانیاً درمورد نحوه توزین میزان سهام دولت در شرکت‌های سهامی، در قوانین نصی وجود ندارد و بهره‌گیری از تجزیه و تحلیل (آنالیز) سهام و جمع و لحاظ کل سرمایه دولت چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، برای تشخیص شرکت‌های دولتی با مانعی روبه‌رو نیست.

در رویه قضایی مرتبط با پرونده‌های جرایم اقتصادی برای تشخیص میزان سهام دولت، غالباً آخرین سهام‌داران و میزان سهام آنها، از اداره ثبت شرکت‌ها یا وزارت امور اقتصادی و دارائی، استعلام می‌شود و در صورتی که نصاب سهام مستقیم دولت بیش از ۵۰ درصد نباشد، قضات با مبنا قرار دادن این استعلام، وقوع جرم اقتصادی را علیه اموال و دارائی‌های دولتی منتفی می‌دانند.^۱ در حالی که با نگرش افتراقی در این حوزه، نباید صرفاً میزان سهام به صورت مستقیم ملاک دولتی یا خصوصی بودن شرکت‌ها محسوب شود و لازم است در صورت نیاز، سهام غیرمستقیم در میزان نصاب سهام دولت نیز لحاظ شود. اما استعلام سهام باید از چه مرجعی انجام پذیرد؟ در این باره در رویه قضایی مسیر واحدی دنبال نمی‌شود و با توجه به تنوع مراجع نظارتی نسبت به

۱. به عنوان نمونه، تصمیم‌های نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۵۶۴۰۷۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ و همچنین به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۱۱۲۵۵۴۴۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ از شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز.

شرکت‌های دولتی، قضات ممکن است از وزارت امور اقتصادی و دارایی، دیوان محاسبات کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری یا سازمان بازرسی کل کشور این استعلام را انجام دهند. ولی با توجه به جایگاه نظارتی و ویژه‌ای که سازمان بازرسی کل کشور دارد و با عنایت به دسترسی‌های این سازمان به کلیه اطلاعات مرتبط با سهام‌داران شرکت‌ها، استعلام از این مرجع، در پرونده‌های اقتصادی پیشنهاد می‌شود. این سازمان به استناد بند الف ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، بازرسی مستمر تمام وزارتخانه‌ها، و اداره‌های دولتی و... را بر عهده دارد و از لحاظ تجزیه و تحلیل (آنالیز) سهام، گزارش‌های این سازمان دقت و شفافیت بالایی دارد.^۱

۳. رویکردهای قضایی از جهت تطبیق عناوین مجرمانه مرتبط با کارکنان دولت در

شرکت‌های غیردولتی

یکی دیگر از چالش‌های مهم در حمایت از سهام دولت در شرکت‌های سهامی مربوط می‌شود به مرحله تطبیق عناوین جزایی موجود در حوزه جرایم اقتصادی بر رفتار اشخاصی که علیه سرمایه یا سهام دولت در شرکت‌های سهامی اقدام می‌کنند. منشاء اولیه شکل‌گیری این چالش، نبود موازین واحد و یک‌پارچه در مبارزه با انحرافات اقتصادی در دو حوزه بخش خصوصی و دولتی است، چنان‌که غالب جرایم ارتكابی در بخش خصوصی را قانون جزء جرایم اقتصادی محسوب نمی‌کنند؛ و بدیهی است که اولین گام برای رفع این چالش، تدوین و تصویب قانونی پویا با پیش‌بینی و شناسایی تمامی رفتارهای مضر اقتصادی در حوزه شرکت‌های دولتی و خصوصی است. حال این سؤال پیش می‌آید اگر علم به وقوع جرم مدیران یا کارمندان یک شرکت خصوصی به

۱. به‌عنوان نمونه، گزارش اداره کل بازرسی استان خوزستان درباره تجزیه و تحلیل سهام یکی از شرکت‌های دولتی در پرونده به شماره ۹۶۰-۰۳۴۲ یکی از شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز.

وجود آید و دولت در آن تا سقف ۵۰ درصد یا کمتر سهام یا سرمایه داشته باشد نحوه مواجهه کیفری به چه شکل خواهد بود؟ آیا در این فرض باید منتظر طرح شکایت از جانب همان مدیران برای رسیدگی به جرایم واقع شده علیه اموال و دارایی‌های آن شرکت ماند یا راهکار دیگری نیز وجود دارد؟ در اینجا نیز نوع و برخورد قضائی با توجه به شرایط فعلی، منبعث از تفاسیر قضایی متهافت و متفاوتی است؛ غالب آراء مراجع قضایی،^۱ بر عدم تطبیق عناوین جزائی مرتبط با جرایم مرتبط با کارکنان دولت در شرکت‌های موصوف دلالت دارد هرچند در برخی از نظریات قضائی، جاری شدن این قوانین را بر رفتارهای مضر اقتصادی علیه دارایی‌های دولت امکان‌پذیر می‌دانند. در اینجا هر کدام از نظریات موصوف که در آراء قضائی استفاده شده است، به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. حمایت نکردن رویه قضایی از سهام دولت با تمسک به اصل برائت و تفسیر به نفع متهم: در این فرض قضات براساس قواعد مرتبط با اصل برائت و تفسیر مضیق و به نفع متهم از هر گونه استناد به عناوین جزایی مرتبط با شرکت‌های دولتی درخصوص شرکت‌هایی خودداری می‌کنند که دولت در آنها کمتر از ۵۰ درصد سرمایه دارد. این دیدگاه برگرفته از همان آموزه‌های تعلیمی و تجمیعی مرتبط با کلیه جرایم و فاقد هرگونه نگاه افتراقی و ویژه است.^۲

۳-۲. حمایت رویه قضایی از سرمایه دولت با تطبیق عناوین جزائی اقتصادی و جرایم کارکنان دولت: این آراء و نظریات یک ملاک واحد را برای توجیه این تطابق ارائه نکرده‌اند بلکه در این مسیر استدلال‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. به‌عنوان نمونه دادنامه‌های به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۰۷۸۹۱۵۳۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ و همچنین به شماره

۱۴۰۱/۱۱/۲۹ شعب دادگاه کیفری دو شهرستان اهواز.

۲. تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۰۵۹۳۲۳۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۲ و همچنین تصمیم نهایی به

شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۰۹۱۳۹۳۲۵ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ و همچنین تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۲۳۷۳۹۰۰۰۰۶۵۲۸۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ در شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز.

به‌عنوان مثال در برخی از آراء، نوع فعالیت و کارکرد شرکت مبنای این تطبیق قرار گرفته است و در مواردی که شرکت براساس ضوابط و مقررات بخش دولتی اقدام به ارائه خدمات عمومی می‌نماید این شرکت را مورد حمایت مقررات جزائی کارکنان دولت دانسته است یا در نظری دیگر، ملاک این تطبیق انتصاب اعضای هیئت مدیره شرکت از طریق قوه مجریه یا دارا شدن کارمندان شرکت‌های یادشده از ردیف بودجه استخدای از ناحیه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است یا حقوق و مزایای کارکنان این شرکت‌ها از محل اعتبارات دولتی و بیت‌المال پرداخت می‌شود یا شمول مقررات دولتی بر ضوابط سازمانی مربوط به نقل و انتقالات و ترفیعات و رسیدگی به تخلفات درون سازمانی شرکت‌های مربوطه، قرار گرفته است، اما در این بین، دو طریق و تفسیر بیش از موارد دیگر در عمل مشاهده شده است که این موارد بررسی خواهند شد.

۱-۲-۳. استفاده از ماهیت شرکت‌های وابسته به دولت: به‌عنوان روش اول اینکه براساس آنچه درخصوص ماهیت شرکت‌های وابسته به دولت ارائه شد می‌توان شرکت‌هایی را که دولت در آنها کمتر از ۵۰ درصد سهام دارد وابسته به دولت فرض نمود و سپس به دلیل این تفسیر، عناوین جزایی مرتبط با شرکت‌های دولتی را نیز درخصوص این شرکت‌ها جاری دانست. طریقه اول برگرفته از همان نگاه افتراقی و ویژه در مبارزه با جرایم اقتصادی و در جهت جلوگیری از ایجاد و گسترش آثار سوء این جرایم است، این نگرش باعث می‌شود قضات در مقام تفسیر قوانین و مقررات مبهم و متعارض، نفع جامعه و حفظ حقوق دولت را بر سایر تفاسیر مرجح بدانند. هر چند اداره کل حقوقی قوه قضاییه در یکی از نظریات خود درباره ماهیت شرکت‌های وابسته به دولت چنین ابراز عقیده نموده است: «این شرکت‌ها شرکتی تجاری هستند که مطابق قسمت اخیر ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شده و بیش از پنجاه درصد آن متعلق به شرکت‌های دولتی است. نظر به لزوم رعایت اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، اگر دولت در شرکتی صاحب درصدی از سهام یا سرمایه باشد ولی به لحاظ نرسیدن سهم دولت به نصاب

قانونی مذکور در تعاریف مربوط به شرکت دولتی و وابسته به دولت، آن شرکت مشمول عناوین مذکور نشود، استفاده غیرمجاز کارکنان آن از اموال چنین شرکتی، مشمول ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ یا مواد ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ قرار نمی‌گیرد و ممکن است حسب مورد مصداق مقررات و مواد قانونی دیگر باشد.^۱ اما این نظریه از چند جهت ایراد دارد؛ اول اینکه قسمت اخیر ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در مقام تعریف شرکت دولتی است نه شرکت‌های وابسته به دولت؛ دوم اینکه اگر قانون‌گذار تفاوتی بین این دو شرکت قائل نبود دلیلی نداشت که آنها را به صورت مستقل و مجزا از یکدیگر در قوانین و مقررات جزایی ذکر نماید.

۲-۲-۳. امتزاج سرمایه دولت با سایر سرمایه‌های شرکت: در این روش چنین استدلال می‌شود که اگر دولت در یک شرکت به هر میزان سهام‌دار باشد خواه یک درصد یا بیش از آن (تا ۵۰ درصد)، به جهت امتزاج اختیاری اموال دولت با دارائی‌ها شرکت در این فرض، دولت به‌طور مشاع در جزء جزء دارائی‌های شرکت حق مالکانه دارد و تعرض به هر بخش از اموال و دارائی‌های شرکت تعرض به سهم دولت نیز قلمداد می‌شود؛ لذا در جهت صیانت از اموال دولتی که مورد امتزاج قرار گرفته است باید کلیه اموال و دارائی‌های شرکت مورد صیانت و حمایت کیفری قرار گیرد. به‌عنوان نمونه، در یکی از پرونده‌های^۲ شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز درباره برخی از کارمندان شرکت توزیع برق این شهرستان، که در مظان اتهام تشکیل شبکه اختلاس و پول‌شویی قرار گرفته بودند، بازپرس پرونده با این استدلال که «ماهیت حقوقی شرکت توزیع برق، که شرکتی است ارائه‌دهنده خدمات عمومی و از طرفی شرکت توزیع برق تا حدی از قدرت عمومی نیز برخوردار بوده و از سویی اگر،

۱. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۹۸/۱۳۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

۲. پرونده به شماره ۰۳۵۲ - ۹۱۰ که مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۲ منتهی به اتخاذ تصمیم نهایی به شماره ۹۴۰۹۹۷۶۱۱۴۰۰۵۹۴ شده است.

چه سهام دولت در شرکت کمتر از پنجاه در صد بوده لیکن دولت به‌طور مشاع در جزء جزء سهام شرکت سهم دارد و تعرض به هر بخش از اموال و دارایی‌های شرکت تعرض به سهم دولت نیز قلمداد می‌گردد» قرار جلب به دادرسی صادر و پرونده با کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان خوزستان ارسال و درنهایت در یکی از شعب این دادگاه، متهمان پرونده محکوم^۱ شده‌اند. قضات دادگاه در بخشی از دادنامه صادره درخصوص مبنای مجازات متهمان به اتهام اختلاس بیان داشتند: «مادامی که درصدی از سهام شرکت یادشده دولتی است اساساً قابل تشخیص و تفکیک نیست که میزان جرایم مالی به وقوع پیوسته توسط کارمندان شرکت ناظر به کدام بخش از کلیت سهام شرکت است آیا ناظر به میزان پنجاه به علاوه یک درصد است یا ناظر به میزان چهل و نه درصد و لذا نمی‌توان با این استدلال حقوق مربوط به بخش دولتی که سازمان‌دهنده تمامی فعالیت‌های شغلی کارمندان شرکت است را نادیده گرفت». یا در پرونده‌ای دیگر بازپرس در قرار جلب به دادرسی درخصوص اتهام احدی از کارمندان بانک صادرات به اتهام اختلاس توأم با جعل به‌جهت تطبیق رفتار ارتكابی کارمند بانک با عنوان مجرمانه مندرج در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری چنین استدلال نموده است:^۲ «از آنجا که طبق برگ آنالیز سهام بانک صادرات، دولت در این بانک به‌طور مشاعی سهام‌دار است و در مبلغ اختلاس‌شده هم دولت به نحو مشاعی سهام داشته و تفکیک نشده ضمن اینکه بانک‌داری یک نوع خدمت عمومی به حساب می‌آید و اگرچه مفهوم خدمت عمومی در قوانین موضوعه کشور به‌طور مشخص تعریف نشده قانون‌گذار در مواردی مانند ماده ۱۱ قانون جرایم رایانه‌ای در ماده ۷۳۹ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات آن را جزو مصادیق خدمت ضروری عمومی آورده است؛ این مرجع بانک صادرات را جزء

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۰۹۹۷۶۱۲۱۵۰۰۲۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۵

۲. این قرار نهایی قبل از صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ با موضوع شمول مجازات مقرر در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسبت به کارکنان بانک‌های خصوصی صادر شده است.

نهادهای قیدشده در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری قلمداد می‌نماید.^۱ این روش در رویه قضایی، طرفداران اندکی دارد هر چند نتیجه عملیاتی شدن این تفسیر با روش اول همسو و یکسان است ولی از جهت اتقان و قابل دفاع بودن ضعف جدی دارد.

۴. چالش‌شناسی قضایی در شمول عنوان جزائی تضییع اموال دولتی در شرکت‌های سهامی

اگر بتوان فرض را بر این گذاشت که ماهیت شرکت‌هایی که دولت در آنها کمتر از ۵۰ درصد سهام دارد، شرکت‌های وابسته به دولت هستند در این صورت چالش‌های متعددی ممکن است به وجود آید؛ از جمله آنها بحث انتساب بزه مندرج در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که در رویه قضایی در این خصوص نظریات و آراء متفاوتی صادر شده است؛ البته این مسائل مختص شرکت‌های موصوف نیست و درمورد بانک‌های خصوصی و شهرداری‌ها و نهادهای انقلابی نیز وجود دارد. برای مشخص شدن این تهافت آراء به برخی از استدلال‌های مندرج در آراء قضایی در این باره اشاره می‌شود. به عنوان نمونه، در قسمتی از قرار منع تعقیب^۲ یکی از شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز درخصوص شکایت بانک ملت علیه احدی از کارمندان این بانک با موضوع اهمال منتهی به تضییع وجوه بانک، این‌گونه استدلال شده است: «طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند از مصادیق مأموران خدمات عمومی محسوب می‌شوند و این مصادیق صرفاً ناظر به صدر ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش

۱. پرونده به شماره ۹۵۰-۰۷۸۰ که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ به شماره تصمیم نهایی ۹۶۰-۲۱۲۴ منتهی به صدور قرار جلب به دادرسی شده است.

۲. پرونده به شماره ۳۱۶-۰۳۹۰ که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ به شماره تصمیم نهایی ۹۷۳۱-۱۴۰۱ منتهی به صدور قرار منع تعقیب شده است.

تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ درمورد بزه تصرف غیرقانونی می‌باشد، و با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم، ایشان مشمول ذیل ماده اخیرالذکر و بزه تضییع اموال و وجوه دولتی به علت اهمال یا تفریط نمی‌باشند» همان‌گونه که از این استدلال برداشت می‌توان کرد بازپرس مصادیق دو رفتار مجرمانه مندرج در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، یعنی تصرف غیرقانونی و تضییع اموال و وجوه دولتی به علت اهمال یا تفریط را متفاوت دانسته و برای این تفسیر خود به قید «دولتی» پس از اموال و وجوه استناد نموده و این قید را صرفاً درباره اموال دولت به معنای اخص آن در نظر گرفته است؛ در حالی که صدر و ذیل ماده یک حکم راجع به تصرف اموال دولتی و تضییع و تفریط اموال دولتی بیان می‌دارد و رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در جهت شمول کل ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات بر کارمندان بانک‌های خصوصی و داخل بودن این افراد در مأموران خدمات عمومی اظهار نظر و عقیده کرده است و نظر دیوان عالی کشور بر تفکیک عناوین تضییع اموال و وجوه دولتی و تصرف غیرقانونی نبوده است و موجبی نیز در این خصوص لحاظ نشده است. یا در پرونده مشابه دیگر، بازپرس درخصوص اتهامات شهردار وقت شهرستان دایر بر تضییع اموال عمومی متعلق به شهرداری اقدام به صدور قرار منع تعقیب نموده و در رأی صادره این‌گونه استدلال کرده است: «مستفاد از قسمت اخیر ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی صرفاً در اموال دولتی قابلیت تحقق دارد و در مانحن فیه با توجه به اینکه اموال متعلق به شهرداری بوده است و از اموال عمومی به شمار می‌آید لذا بزه عنوان‌شده قابلیت تحقق با توجه به اوصاف مذکور را ندارند» اما این قرار از چند جهت ایراد دارد: اول اینکه ذیل ماده موصوف را باید با صدر آن

۱. پرونده به شماره ۰۲۳۲-۹۷۰ که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۸ به شماره تصمیم نهایی ۶۱۳۴-۱۴۰۱ منتهی به صدور قرار منع تعقیب شده است.

مورد نظر قرار داد؛ چراکه از لحاظ نگارشی و ادبی هیچ قیدی به جهت تجزیه حکم ذیل ماده از جهت اشخاص با صدر ماده وجود ندارد و صرف بیان قید «دولتی» پس از «اموال و وجوه» نمی تواند چنین تقییدی را ایجاد کند و دوم اینکه با پذیرش این استدلال کلیه اشخاص صدر ماده که عنوان دولتی ندارند، باید از حکم ذیل ماده خارج کرد و چنین تخصیص اکثری از جانب قانون گذار بعید به نظر می رسد؛ در حالی که در موارد متعددی مقنن از واژه دولت، مفهوم کلی و عام آن را اراده کرده است که شامل تمامی کارکنان و کارمندان قوای سه گانه و حاکمیتی می شود.

فرجام سخن

راجع به نحوه حمایت از شرکت هایی که قسمتی از سرمایه یا سهام شرکت (تا ۵۰ درصد) متعلق به دولت است چالش ها و خلاءهای قانونی متعدد وجود دارد که به جهت نقص، ابهام و عدم نص قوانین کیفری در این حوزه، لاجرم از رویه های قضایی برای ترمیم آن بهره گرفته می شود. رویه قضایی در این حیطه سه شیوه را در پیش گرفته است؛ روش اول این است که قضات، شرکت های موصوف را صرفاً یک شرکت خصوصی محسوب و هر گونه فعل یا ترک فعل مجرمانه ای را که مدیران یا دیگر کارکنان شرکت علیه اموال و دارائی های آن صورت می گیرد در قالب مصادیق ماده ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت یا عناوین مجرمانه دیگر از قبیل خیانت در امانت یا سرقت یا کلاهبرداری و غیره مورد رسیدگی قرار دهند. روش دوم آن است که چنین شرکت هایی را به عنوان شرکت های وابسته به دولت فرض نمایند و رفتارهای مجرمانه مدیران یا دیگر کارکنان شرکت را حسب مورد مصداق عناوین جزائی مرتبط با جرایم اقتصادی کارکنان دولتی بدانند. و روش سوم آنکه قضات قائل بر این باشند که در این شرکت ها به جهت اینکه دولت به طور مشاع در جزء جزء اموال شرکت سهیم است، تعرض به هر بخش از اموال و دارایی های شرکت تعرض به سهم دولت نیز قلمداد می شود و لذا رفتارهای مجرمانه واقع شده علیه اموال این شرکت ها براساس

عناوین جزایی مرتبط با شرکت‌های دولتی می‌باید مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد. شیوه اول در رسیدگی و رویه قضایی دیدگاهی غالب و مبتنی بر همان قواعد عام و کلی در رسیدگی‌های کیفری است و شیوه‌های دوم و سوم مبتنی بر دیدگاه افتراقی و ویژه، به جهت حفظ منافع جامعه و صیانت از اموال دولتی به معنای عام آن است؛ هرچند نتیجه اعمال و اجرای روش دوم و سوم، واحد است اما روش دوم، توجهات لازم و قابل دفاع‌تری دارد. از طرفی نوع و نحوه شناسایی میزان سهام دولت در شرکت‌های سهامی نیز در رویه قضایی مسیر واحدی ندارد^۱ و در برخی از موارد صرفاً سهام و سرمایه مستقیم دولت در شرکت‌ها، در میزان نصاب سهام دولت در آن شرکت، لحاظ می‌شود و در برخی موارد دیگر میزان سهام هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم در میزان نصاب مورد توجه قرار می‌گیرد که هر کدام از این روش‌ها آثار حقوقی متفاوتی را ایجاد می‌کند. همه آنچه بیان شد دلالت بر این مهم دارد که متون کیفری و حقوقی حال حاضر نظام قضایی ایران در مقابله با جرایم اقتصادی در شرکت‌های سهامی و به تبع آن حمایت از سهام و سرمایه دولت در این شرکت‌ها با کاستی‌های فراوانی روبه‌رو است که برای گذار از آن نیازمند قوانینی پویا، دقیق و روشن است؛ هرچند اقداماتی در جهت برطرف کردن این نواقص و کاستی‌ها انجام می‌گیرد؛ این تلاش‌ها تاکنون به متون حقوقی کشور افزوده نشده است؛ به عنوان نمونه، بابت همین تشتت آراء در مراجع قضایی و تفاسیر متعدد و متنوع از قوانین کیفری در این حوزه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر آن شدند تا جهت ایجاد وحدت رویه قضایی و جلوگیری از تضییع و حیف و میل حقوق و اموال و دارایی‌های دولت و بیت‌المال حمایت‌های کیفری مناسب را فراهم سازند؛ از این رو، اقدام به تهیه طرح الحاق یک تبصره به ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نمودند و در

۱. به عنوان نمونه تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۱۰۰۰۱۲۶۹۴۰۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۹ و همچنین تصمیم به شماره

۱۴۰۱۳۷۰۱۰۰۰۲۳۶۸۷۰۳ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ دادسرای عمومی و انقلاب اهواز.

قسمتی از مقدمه (دلایل توجیهی) این طرح بیان کردند که با توجه به اینکه اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی جزء اصول شناخته شده حقوق جزاست امکان تسری مجازات‌های موضوع ماده ۵۹۸ قانون صدرالاشاره برای افرادی غیر از مواردی که در متن قانون احصاء شده، وجود ندارد لیکن امکان وجود اموال و وجوه دولتی در ساختارهایی جز آنچه در متن قانون مورد اشاره قرار گرفته، منتفی نیست و در عمل دارایی‌های دولت اعم از اموال و وجوه می‌تواند در شرکت‌ها، مؤسسات و نهادهایی غیردولتی موجود باشد. در این موارد تصرف غیرقانونی و تضییع اموال دولتی انجام شدنی است اما غیرقابل مجازات؛ زیرا رابطه استخدامی کارکنان با شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت وجود ندارد. با وجود آنکه بخشی از دارایی‌های دولت در مؤسساتی نظیر بانک‌های غیردولتی، بیمه‌های غیردولتی و نهادهای عمومی غیردولتی موجود و دچار تضییع می‌شوند که همین موضوع مرتکبان این نوع جرایم را در حاشیه امنی قرار می‌دهد و مجازات متناسب با جرائم ارتكابی برای ایشان در نظر گرفته نمی‌شود؛ بنابراین، در این طرح پیشنهاد نموده‌اند که «کارکنان هر سازمان، بنگاه، شرکت یا مؤسسه‌ای، صرف‌نظر از میزان سهام دولت در آن به هر نحوی از انحاء اعم از تعدی، اهمال یا تفریط سبب تضییع یا ورود خسارت به اموال دولت یا تفویت منافع متعلق به دولت گردند مشمول مجازات‌های مقرر در این ماده خواهند بود»؛ بنابراین می‌توان امید داشت پس از تصویب آن و همچنین دیگر طرح‌ها و لوایح ارائه شده به مجلس شورای اسلامی در ارتباط با تقویت مبارزه با جرایم اقتصادی برخی از چالش‌های مربوط به نحوه حمایت از سهام و سرمایه دولت در شرکت‌های سهامی مرتفع شود.

منابع

- اردشیر، علی (۱۳۸۹). سازوکارهای نظارت بر شرکت‌های دولتی، تهران: نوآور.
- براری، اکبر (۱۴۰۲). نظام حقوقی حاکم بر شرکت‌های دولتی و خصوصی‌سازی، تهران: انتشارات مجله.
- بهره‌مند بگ نظر، حمید (۱۳۸۹). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال فساد و مطالعه تطبیقی آن با کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد/ رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۹). جرایم سایبر و رویکرد افتراقی حقوق کیفری، مجله دانش و توسعه، ۱۷(۳۴)، ۱۶۹-۱۹۲. Doi: <https://doi.org/10.22067/pm.v17i34.27358>
- حسینی، جعفر و مهر، نسرين (۱۳۹۴). نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجله مطالعات حقوقی کیفری و جرم شناسی، ۲(۳)، ۴۵-۶۹. DoI: [org/JQCLCS-201506-1031%20\(R1\)](https://doi.org/10.22067/pm.v17i34.27358)
- خداییان چگنی، ذبیح‌اله (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی، مجله مطالعات حقوقی، ۴(۲)، ۳۱-۵۸. DoI: [10.22099/JLS.2013.1130](https://doi.org/10.22067/pm.v17i34.27358)
- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰). فساد مالی اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، تهران: انتشارات میزان.
- دلیر، حمید (۱۳۸۶). اموال مرتبط با جرم در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی / رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۹۰). آملی بر جرایم اقتصادی از منظر بایسته های حقوق جزای اقتصادی، نشریه تحقیقات حقوقی، ضمیمه شماره ۵۶، ۶۴۵-۶۷۶.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۶). تحلیل جرایم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی، مجله حقوقی دادگستری، ۸۱(۹۹)، ۲۰۱-۲۲۷. DoI: [10.22106/jlj.2017.29233](https://doi.org/10.22067/pm.v17i34.27358)
- عنبری، محمد و نوروزیان، رضا (۱۴۰۲). اهم قوانین شرکت‌های دولتی، تهران: انتشارات دفتر امور شرکت‌های دولتی وزارت اقتصاد.
- کوشا، جعفر، دهقانی، محمدرضا (۱۳۹۶). سیاست جنایی در جرایم اقتصادی، دو فصلنامه دانش حقوق و مالیه، ۱(۲)، ۸۵-۱۰۱. Doi: [10.22034/ejs.2022.334504.1197](https://doi.org/10.22067/pm.v17i34.27358)
- معاونت مطالعات و ارزیابی سازمان خصوصی‌سازی (۱۳۸۵). مجموعه قوانین و مقررات واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سازمان خصوصی‌سازی.
- مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰). سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: میزان.

میرسعیدی، منصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲). جرم اقتصادی تعریف یا ضابطه، پژوهش حقوق کیفری، ۱۹۹-۱۶۷، (۴)۲.

-آراء و پرونده‌ها

پرونده به شماره ۹۹۰۹-۰۳۴۰ مورد رسیدگی در دادگاه کیفری دو شهرستان اهواز
پرونده به شماره ۱۴۰۰-۰۲۵۶ مورد رسیدگی در دادسرای عمومی و انقلاب اهواز
پرونده به شماره ۰۷۸۰-۹۵۰ مورد رسیدگی در دادسرای عمومی و انقلاب اهواز
پرونده به شماره ۰۳۱۶-۹۹۰ مورد رسیدگی در دادسرای عمومی و انقلاب اهواز
پرونده به شماره ۰۲۳۲-۹۷۰ مورد رسیدگی در دادسرای عمومی و انقلاب اهواز
دادنامه به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۷۸۹۱۵۳۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۳۰
دادنامه به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۱۱۱۸۱۸۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۹
دادنامه به شماره ۱۳۹۶/۰۹/۲۵ مورخ ۹۶۰۰۹۹۷۶۱۲۱۵۰۰۲۷۷
تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۵۶۴۰۷۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰
تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۱۱۲۵۵۴۴۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۶
تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۵۹۳۲۳۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۲
تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۱۳۷۳۹۰۰۹۱۳۹۳۲۵ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۵
تصمیم نهایی به شماره ۱۴۰۲۳۷۳۹۰۰۰۰۶۵۲۸۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴
تصمیم نهایی به شماره ۱۳۹۴/۰۴/۲۲ مورخ ۹۴۰۹۹۷۶۱۱۴۰۰۰۵۹۴

- Anbari, M., & Norouzian, R. (2023). *Key Laws on State-Owned Enterprises*. Tehran: Ministry of Economy, Office of State-Owned Enterprises Publications. [In Persian]
- Ardshir, A. (2010). *Mechanisms for Supervising State-Owned Companies*. Tehran: Noavar. [In Persian]
- Bahreman Begnazar, H. (2010). *Iran's Legislative Criminal Policy Toward Corruption and Its Comparative Study with the United Nations Convention Against Corruption* (Ph.D. dissertation). University of Tehran. [In Persian]
- Barari, A. (2023). *The Legal System Governing State-Owned Companies and Privatization*. Tehran: Majd Publications. [In Persian]

- Dadkhodaei, L. (2011). *Financial Corruption and the Criminal Policy of Combat It*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
- Dalir, H. (2007). *Crime-Related Property in Iranian and English Law and International Instruments* (Ph.D. dissertation, supervised by R. Goldust Joibari). Shahid Beheshti University, Tehran. [In Persian]
- Hasani, J., & Mehra, N. (2015). *A Critique on the Concept of Economic Crime in the Islamic Penal Code of 2013*. *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 2(3), 45–69. [https://doi.org/JQCLCS-201506-1031%20\(R1\)](https://doi.org/JQCLCS-201506-1031%20(R1)) [In Persian]
- Javan Jafari, A. (2010). *Cybercrimes and the Differential Approach of Criminal Law*. *Danesh va Towse'e (Knowledge and Development)*, 17(34), 169–192. <https://doi.org/10.22067/pm.v17i34.27358> [In Persian]
- Khodayian Chegini, Z. (2012). *Comparative Study of the Criminal Justice System of France and Iran in Combating Economic Crimes*. *Journal of Legal Studies*, 4(2), 31–58. <https://doi.org/10.22099/JLS.2013.1130> [In Persian]
- Koosha, J. & Dehghani, M. (2017). *Criminal Policy in Economic Crimes*, 1(2), 85–101. <https://doi.org/10.22034/ejs.2022.334504.1197> [In Persian].
- Mahdavi pour, A. (2011). *Differentiated Criminal Policy in the Field of Economic Crimes*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Mirsaeedi, M., & Zamani, M. (2013). *Economic Crime: A Definition or a Criterion?* *Criminal Law Research*, 2(4), 167–199. [In Persian]
- Privatization Organization - Research and Evaluation Department. (2006). *Compilation of Laws and Regulations on the Transfer of State and Government-Owned Shares in the Third and Fourth Development Plans of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Privatization Organization Publications. [In Persian]
- Sadeghnejad Naeini, M. (2017). *Analysis of Corporate Crimes in Light of Economic Systems*. *Judicial Law Journal*, 81(99), 201–227. <https://doi.org/10.22106/jlj.2017.29233> [In Persian]
- Samavati Pirooz, A. (2011). *A Reflection on Economic Crimes from the Perspective of the Essentials of Economic Criminal Law*. *Legal Research Journal*, Supplement, 56, 645–676. [In Persian]